

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

## تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی  
چاپ «نعمیم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش بیست و هفتم

۳۰ اپریل ۲۰۱۴

### شورا های رهائی ملی

کنفرانس پزا احکامی را که انورخوجه در گزارش خود تحت عنوان «شوراهای رهائی ملی به مثابه ارگان های وحدت و مبارزه خلق البانی» آورده بود نیز به منزله بنیاد ساختمان شورا های رهائی ملی پذیرفت. شورا ها در مناطق آزاد نشده، ارگان نبرد بودند که کلیه نیرو های توده ئی ضد فاشیستی را گرد می آوردند، توده ها را برای مبارزه رهبری می کردند و بر می انگیزتند و برای قیام مسلح آماده می ساختند، کمک های مادی ضروری برای مبارزه را جمع می کردند، اطلاعات در باره حرکات نیرو های مسلح دشمن و اندازه اهمیت آنها را به دست می آوردند، مبارزه اقتصادی را علیه شرکت های سرمایه داری ایتالیایی سازمان می دادند و در کار فاشیست ها در انبار کردن محصولات کشاورزی به خرابکاری می پرداختند.

شورا ها در مناطق آزاد شده، وظائف ارگان های قدرت توده ئی را انجام می دادند. نظم عمومی را تأمین می کردند، به توسعه اقتصادی، تأمین خواربار، تجارت، کشت و برداشت غلات می پرداختند، آموزش و مطبوعات و کار فرهنگی در توده ها را سازمان می بخشیدند، در منازعات حکمیت می کردند، کسانی را که با هم دشمنی خونی داشتند آشتی می دادند، آمادگی اهالی را برای نبرد حفظ و تقویت می کردند و غیره... کنفرانس پزا خاطر نشان ساخت که: «اهمیت شورا های رهائی ملی بسیار است. به وسیله آنهایی که دولت تشکیل می گردد و خلق برای مبارزه و قیام تجهیز می شود.»<sup>۱</sup>

حزب کمونیست البانی در مورد سازمان دادن شورا ها تجربه شورا های اتحاد شوروی را در اختیار داشت. ولی بدیهی است که به الگو سازی از آنها نپرداخت و قبل از هر چیز شرایط مشخص رشد قیام توده ئی ضد فاشیستی را در البانی

<sup>۱</sup> - همانجا صفحه ۱۳

اساس قرار داد. ارگان های این قیام ذاتاً با خصلت آن که رهائی بخش ملی بود انطباق داده شدند. یکی از رهنمود های کمیته مرکزی مؤرخ جون ۱۹۴۲ تأکید می کرد که شوراها باید مشتمل باشند بر نمایندگان مبارز کلیه نیرو های ضد فاشیستی، کلیه جریان های سیاسی، صرفنظر از تعلق طبقاتی آنها. فکر تشکیل شوراها برای توده های خلق البانی قابل قبول بود. سنت البانی ها از قدیم ترین زمان آن بود که هر وقت می بایست به ضد مهاجمان خارجی به نبرد برخیزند و یا مسائل داخلی خود را حل کنند. «مجالس» و یا «شورا ها» ترتیب می دادند.

معذک شوراهای رهائی ملی با «مجالس» و یا «شورا های» روزگار گذشته از لحاظ ترکیب و سازمان تفاوت داشتند و مؤسسات کاملاً نوینی بودند. شوراهای رهائی ملی به مثابه ارگان های دمکراتیک انقلابی، مولود مستقیم توده های خلق و تحت رهبری حزب کمونیست، قدم به عرصه و رشد گذاشتند. وجود آنها نفی کننده کلیه ارگان ها و سازمان های دولتی ضد خلقی و استثمارگر بود. شوراهای رهائی ملی به این عنوان به محبوبیت بزرگی در بین توده ها نائل آمدند. تعداد آنها پس از کنفرانس پزا، در مناطق آزاد شده و همچنین در مناطقی که هنوز آزاد نشده بودند به سرعت افزایش یافت. مردم آنها را مدافع منافع خویش و منافع میهن می شناختند. شوراها نخست در روستا ها به مثابه ارگان های قدرت توده ئی شروع به عمل کردند. زیرا که در ۱۹۴۲ شهر ها هنوز در اشغال فاشیست های ایتالیائی به سر می بردند و فقط تعدادی از مناطق روستائی آزاده شده بودند. شوراها به صورت حلقه های مهم ارتباط نزدیک حزب کمونیست با دهقانان در آمدند.

### واحد های پارتیزانی

در ضمن این که خلق در جبهه رهائیبخش ملی متحد می شد و شوراها بر پا می گردیدند مبارزه مسلحانه پارتیزانی وسعت و شدت می یافت.

جنگ پارتیزانی، شکلی از نبرد است که در طی قرن ها در البانی و سایر کشور ها شناخته شده بوده و آزمایش شده است. خلق البانی سنت های دیرین و استوار جنگ پارتیزانی به ضد مهاجمان خارجی را زنده نگهداشته بود. کنفرانس پزا اظهار اطمینان کرد که راه افتخار آمیز پیشینیان البانی با دلیری و سر بلندی دنبال خواهد شد.

حزب کمونیست البانی در عین حال که از تجارب متمادی مبارزه مسلحانه پارتیزانی میهن پرستان البانی در گذشته استفاده کرد، به نبرد پارتیزانی به علیه اشغالگران فاشیست و خائنان مضمونی عمیقاً توده ئی و انقلابی بخشید.

اولین مکتب جنگ پارتیزانی، دسته های پارتیزانی شهری بودند. پس از آن که واحد های پارتیزانی در روستا ها تشکیل شدند و به عمل پرداختند، نبرد پارتیزانی در سراسر کشور توسعه و شدت یافت.

راه ایجاد واحد های پارتیزانی در روستا به طور کلی چنین بود: کمیته های منطقه ئی حزب، عده ای از اعضای حزب، از جوانان کمونیست و سمپاتیزان هائی را که در دسته های پارتیزانی شهری رزم دیده شده بودند از شهر ها به روستا ها (به کوه) می فرستادند و وظیفه آنها این بود که دسته پارتیزانی روستائی را تشکیل دهند. روستا ها در گرد این هسته ها به صورت پایگاه و ذخیره عمده نیروی پارتیزانی در آمدند. ترکیب طبقاتی واحد پارتیزانی، هیچ گونه محدودیتی نداشت و هرکس که خواستار نبرد با دشمن بود پذیرفته می شد فقط کسانی که گذشته تاریک داشتند، جنایتکاران و راهزنان که خلق به چشم تنفر و تحقیر در آنها می نگریست در واحد های پارتیزانی راه نمی یافتند. همه پارتیزان ها داوطلب بودند. واحد پارتیزانی تقریباً از ۵۰ تا ۶۰ رزمجو تشکیل می شد. در رأس هر واحد یک فرمانده و یک کمیسر سیاسی قرار داشتند که فعالیت آن را مشترکاً رهبری می کردند و مسؤول آمادگی سیاسی و رزمی پارتیزان ها بودند. در بسیاری از موارد، فرمانده عضو حزب نبود ولی کمیسر نماینده حزب در واحد پارتیزانی بود.

هر واحد پارتیزانی یک حوزه حزبی داشت که قلب وی به شمار می آمد.

واحد های پارتیزانی به فعالیت پر توان رزمی علیه اشغالگران فاشیست و خائنان دست می زدند. در عین حال فعالیت مداوم سیاسی داشتند، نه فقط در بین پارتیزان ها بلکه همچنین در بین اهالی منطقه های پارتیزانی به کار فرهنگی و آموزشی می پرداختند. پایگاه واحد های پارتیزانی در مناطق آزاد شده بود که در آنجا قبلاً دستگاه ستمگر سابق را بر انداخته و به خلق در ایجاد شوراهای رهائی ملی یاری داده بودند. واحد های پارتیزانی به دهقانان در کار های کشاورزی مساعدت می کردند و پشتیبان مسلح شوراها در حفظ نظم به شمار می آمدند.

توده های مردم برای نخستین بار در وجود واحد های پارتیزانی، ارتش خویش و مدافع منافع خویش را مشاهده می کردند و از همه لحاظ به این ارتش یاری می رسانیدند. واحد های پارتیزانی به دهقانان پناه می بردند و دهقانان به آنها خواربار می دادند. کمک های مادی متنوعی نیز از جانب اهالی شهر ها به پارتیزان ها رسانیده می شد. بدون چنین مساعدتی، بدون چنین پشتیبانی بی دریغی که خلق به اشکال مختلف روا می داشت سازمان دادن نبرد پارتیزانی و ایجاد ارتش توده ئی انقلابی غیر ممکن بود.

پس از کنفرانس پزا علاوه بر واحد های پارتیزانی، برای هر دهکده بزرگ و یا برای دو یا سه دهکده کوچک یک واحد رزمنده محلی (از سربازان خلق) به وجود آمد. این ها واحد های نامنظم دفاع از خود بودند که هر بار که واحد های پارتیزانی برای حمله مهم و یا برای مقابله با عملیات دشمن در مناطق آزاد شده از آنها کمک می خواستند اسلحه بر می گرفتند. این واحد های دفاع از خود در عین حال ذخیره ای برای تکمیل واحد های پارتیزانی منظم به شمار می آمدند. در اثر کنفرانس پزا تعداد دسته های پارتیزانی شهری، واحد های پارتیزانی و واحد های دفاع از خود به سرعت افزایش یافت. در پایان ۱۹۴۲ تعداد نفرات واحد های پارتیزانی تقریباً به ۲۰۰۰ می رسید و این رقم غیر از آن چند هزار نفری بود که در دسته های پارتیزانی شهری و واحد های دفاع از خود شرکت داشتند.

اشغالگران ایتالیایی برای آن که واحد های پارتیزانی را در هم شکنند، نیرو های نسبتاً بزرگی به کار انداختند و از سپتمبر تا دسمبر ۱۹۴۲ در ۲۷ منطقه البانی جنوبی، مرکزی و شمالی به عملیات تنبیهی دست زدند، صد ها خانه دهقانان را سوزاندند، زنان، سالخوردهگان و خردسالان را کشتار کردند، بدون آن که بتوانند به هدف خویش که اختناق جنبش پارتیزانی بود نائل آیند. به عکس، ترور فاشیستی باعث شد که اراده مبارزه جوئی خلق سرکش تر شود. در پزا، اسکرپار، دبیر، مات، کورچا، کورلش، ولورا و غیره هزار ها مرد و زن در کنار پارتیزان ها به پا خاستند تا با دار و دسته های فاشیست بجنگند. در نبرد های سهمگینی که دشمن در آنجا از لحاظ نفرات و مهمات برتری داشت صد ها سرباز، پولیس و افسر فاشیست به قتل رسیدند.

کامیابی نبرد پارتیزانی و شکست کامل عملیات نظامی فاشیست ها در ۱۹۴۲ پوشیدگی اشغالگران فاشیست و نیروی غلبه ناپذیر خلق البانی را عیان ساخت و صحت سیاست حزب کمونیست را تأیید کرد. در البانی انقلاب توده ئی واقعی شروع شده بود.

طنین این نبرد قهرمانانه از مرز های کشور درگذشت و تحسین و تقدیر خلق ها و کشور هائی را که علیه فاشیسم پیکار می کردند بر انگیخت. در دسمبر ۱۹۴۲ دولت شوروی در اظهاریه رسمی خاص البانی هواداری خود را از مبارزه رهائی بخش خلق البانی بیان داشت و هرگونه ادعای امپریالیسم ایتالیا را در مورد سرزمین البانی مردود دانسته اظهار امید و آرزو کرد که البانی آزاد و مستقل گردد. در عین حال دولت های امریکا و انگلستان نیز در اظهاریه های رسمی خویش نبرد ضد فاشیستی خلق البانی را تأیید کردند ولی سخنی علیه ادعا های امپریالیستی در مورد البانی نگفتند و در این کار منظور خاص داشتند. این اعلامیه ها و به ویژه اعلامیه دولت شوروی، پشتیبانی برای خلق البانی بود، اعتماد وی را به پیروزی تقویت کرد و موجب گسترش جدید مبارزه مسلحانه علیه ستمگران فاشیست گردید.

ادامه دارد...